

برداشت‌های اقتصاد از یک بزنگاه تاریخی



عاطفه خسروی
مدیر مسئول

اقتصاد و سیاست دو حوزه مرتبط با یکدیگر هستند و رابطه بین این دو حوزه همچون یک خیابان پویا و دوطرفه است که در آن هر یک بر دیگری در شبکه پیچیده‌ای از تعاملات تأثیر می‌گذارد. تأثیرگذاری و تأثیرپذیری این دو بخش در ساختار مدیریتی و کشرداری ایران نیز از واضحات است و در تمام این سال‌ها اقتصاد با کوچک‌ترین تحولات سیاسی داخلی و خارجی متحول شده است.

از همین‌رو تلاش دولت‌ها، تدوین و اعمال سیاست‌های سازگار در عرصه داخلی و خارجی، همگی با هدف برقراری ثبات اقتصادی در کشور انجام می‌گیرد. تمامی کشورهای در حال توسعه که امروزه به رشد اقتصادی و درآمد سرانه بالایی دست پیدا کرده‌اند، بی‌تردید از آرامش در عرصه داخلی و روابط تجاری گسترده با کشورهای صنعتی سود برده‌اند. در حقیقت ثبات و امنیت، شرط لازم برای توسعه است و هیچ کشوری در میان تنش در درون حاکمیت و خصومت در روابط بین‌المللی توسعه نیافته است.

این چنین است که تحلیلگران، مذاکرات عمان را یکی از مهم‌ترین بزنگاه‌های اقتصادی دهه اخیر ایران می‌دانند و معتقدند توافق احتمالی تهران و واشنگتن می‌تواند بر بسیاری از متغیرهای کلان اقتصادی کشور تأثیرگذار باشد. یکی از نخستین پیامدهای توافق می‌تواند کاهش قابل‌توجه نرخ ارز (دلار) باشد. آزادسازی منابع ارزی بلوکه‌شده، افزایش فروش نفت و کاهش ریسک‌های ژئوپلیتیک، همگی موجب افزایش عرضه ارز و افت نرخ دلار خواهند شد؛ اتفاقی که به‌طورمستقیم بر نرخ کالاهای وارداتی، مواد اولیه تولید و حتی بازارهای موازی همچون طلا و خودرو اثرگذار خواهد بود.

همچنین با رفع تحریم‌های نفتی، ظرفیت صادرات نفت ایران به‌سرعت می‌تواند به بیش از ۲ میلیون بشکه در روز بازگردد. کارشناسان بر این باورند که در صورت توافق، ایران می‌تواند در مدت کوتاهی سهم خود از بازار جهانی انرژی را بازیابی کند. این تحول باعث رشد سریع درآمد‌های ارزی دولت و افزایش منابع بودجه‌ای خواهد شد.

توافقی احتمالی، زمینه را برای ارتباط مجدد بانک‌های ایرانی با سیستم مالی جهانی (مانند سوئیفت) فراهم می‌سازد. در نتیجه، مسیر برای سرمایه‌گذاری خارجی، انتقال فناوری و ورود شرکت‌های بین‌المللی به بازار ایران هموار خواهد شد؛ مسئله‌ای که می‌تواند نقش مهمی در احیای صنایع بزرگ، اشتغالزایی و توسعه زیرساخت‌ها ایفا کند.

با کنترل نرخ ارز و ثبات اقتصادی، می‌توان انتظار داشت نرخ تورم در میان‌مدت کاهش یافته و سیاست‌های پولی با دقت بیشتری تنظیم شود. این امر ضمن تقویت قدرت خرید خانوار، موجب افزایش بهره‌وری، ثبات قیمت‌ها و رونق بازارهای مولد مانند بورس و بخش تولید خواهد شد.

هرچند بسیاری از کارشناسان نیز تأکید دارند، «توافق تنها کافی نیست» و اثرگذاری بلندمدت توافق، وابسته به اصلاحات ساختاری داخلی از جمله تسلط شرکت‌های شبه‌دولتی بر به‌باور این گروه، بدون این اصلاحات، حتی با لغو تحریم‌ها، نمی‌توان انتظار ماندگاری ثبات اقتصادی را داشت. برخی نیز پا را فراتر گذاشته و می‌گویند رفع تحریم‌ها هم نمی‌تواند گره کور چالش‌های ساختاری اقتصاد ایران را باز کند.

با این همه اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مناسب برای مدیریت پیامدهای رفع تحریم‌ها و جذب سرمایه و تزریق بر تولید مولد از مهم‌ترین اقداماتی است که دولت باید در دستور کار داشته باشد. سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین محرک‌های رشد اقتصادی در ایران، سال‌هاست که تحت‌تأثیر عواملی چون تحریم‌های بین‌المللی، ضعف در سیاست خارجی و موانع ساختاری داخلی از جمله تسلط شرکت‌های شبه‌دولتی بر اقتصاد، روندی نزولی را تجربه کرده و تنگناهای اقتصادی به حد و مرزی رسیده که دیگر فرصتی برای تلف کردن باقی نمانده است.

انزوای مالی ایران که با عدم‌پذیرش استانداردهای FATF و تحریم‌های گسترده آمریکا و اروپا تشدید شده، عملاً کشور را از زنجیره اقتصاد جهانی بیرون رانده است. تبادلات بانکی به کانال‌های غیررسمی و پرهزینه محدود شده و هزینه تجارت خارجی سر به فلک کشیده است.

گزارش‌های بانک جهانی نشان می‌دهد که این‌انزوا، در سال‌های گذشته صادرات غیرنفتی را که می‌توانست جایگزینی برای درآمد‌های نفتی باشد، به‌شدت تضعیف کرده و تحریم‌های نفتی، که از سال ۲۰۱۸ با خروج آمریکا از برجام اوج گرفت، درآمد‌های ارزی را به کمترین سطح در دهه‌های اخیر رسانده است. اگرچه ایران توانست روزانه حدود ۱۵ میلیون بشکه نفت صادر کند، اما تشدید فشارهای آمریکا و احتمال بازگشت تحریم‌های سازمان ملل در صورت شکست مذاکرات هسته‌ای، این رقم را در سال ۱۴۰۴ به زیر یک میلیون بشکه کاهش خواهد داد. نتیجه این اتفاق چیزی جز کاهش ذخایر ارزی نیست که در صورت وقوع، ارمغانی جز افزایش نرخ ارز و افزایش تورم نخواهد داشت که نابودی برای معیشت خانوار است.

نشان این تنها بخشی از ماجراست و تجربه تنش‌های بهار ۱۴۰۳ نشان داد که حتی شایعه بروز نامتی هم، نوسان و تلاطم بازارهای مالی و ارزی را دامنه‌دار می‌کند. در این وضعیت، سرمایه‌گذار داخلی و خارجی فرار را بر قرار ترجیح داده و فرار سرمایه، اقتصاد را زمینگیر می‌کند. در ادامه نیز با افزایش مشکلات ناشی از کسری بودجه و بحران نقدینگی، تولید از گردونه اقتصاد خارج می‌شود و ...

اینجاست که می‌توان درک عمیق‌تری نسبت به مذاکراتی که برخی آن را از مهم‌ترین بزنگاه‌های اقتصادی دهه اخیر می‌دانند، پیدا کرد.

هرچند نمی‌توان و نباید به‌صورت افراطی به روند و نتیجه مذاکرات نه‌خوش‌بین بود و نه بدبین؛ همان‌طور که نمی‌توان و نباید، امور کشور و اقتصاد را به مذاکرات گره زد.اما به هر روی طرفی‌میز مذاکره باید بهترین بهره را از موقعیت پیش‌آمده ببرند.

سناریوهای اقتصادی یک توافق احتمالی

بازی برد – برد، نکته مهم دور اول مذاکرات که نگرانی‌هایی در جامعه نیز به‌دنبال داشت، این بود که در مذاکرات، نماینده ویژه دولت آمریکا خواسته‌ای جز هسته‌ای مطرح کند و این همان چیزی بود که طرف ایرانی روی آن تأکید داشت که قرار شد دور دوم مذاکرات در ۳۰ فروردین سال جاری ادامه یابد و به‌تدریج وارد جزئیات شوند.

بسیاری معتقدند؛ ادامه روند مثبت مذاکرات ایرانی – امریکایی می‌تواند تأثیر مثبتی بر مذاکرات ایران و اروپا داشته باشد و به عدم‌فعال شدن مکانیسم ماشه و اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت نیز کمک کند. نتایج سفر گروسی، رئیس سازمان انرژی اتمی به تهران نیز در این برهه زمانی از اهمیت بالایی برخوردار است. جدای از تمام موارد یادشده، اهمیت نتیجه مثبت از خروجی این مذاکرات برای اقتصاد ایران، محور پرونده امروز **سنتی** است.

فروردین ۱۴۰۴ (۱۲ آوریل ۲۰۲۵) در مسقط، پایتخت عمان، برگزار شد، به‌عنوان گامی مهم در مسیر تنش‌زدایی و پیشبرد دیپلماسی در منطقه خاورمیانه موردتوجه قرار گرفت. این مذاکرات که با میانجیگری سلطان نشین عمان و با حضور عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران و استیو ویتکاف، نماینده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا، انجام شد، بر مسائل هسته‌ای و رفع تحریم‌ها متمرکز بود. پایان این دور از گفت‌وگوها با بیانه‌های مثبت از سوی طرفین و استقبال گسترده کشورهای عربی همراه شد که آن را فرصتی برای تقویت صلح و ثبات منطقه‌ای ارزیابی کردند.

هم مذاکره‌کنندگان ایرانی و هم امریکایی از نتیجه مذاکرات ابراز رضایت و آن را مفید و سازنده اعلام کردند. در واقع، دور اول گفت‌وگوها با احترام و ابراز رضایت پایان یافت و دوطرف برنده این دور مذاکرات بودند؛

یادداشت

ضرورت حمایت ملی از مذاکرات

ملموس است. بنابراین، این نکات باید در جلسات مذاکره مدنظر قرار گیرد. فرض کنید ما یک دیپلمات متعارف و تکنوکرات داشته باشیم که علاقه‌مند است مذاکرات به‌صورت مخفی پیش برود، در حالی که یک معامله‌گر ممکن است به‌طور ناگهانی جزئیات مذاکرات را عمومی کند. این موضوع باید به‌دقت در نظر گرفته شود، زیرا مذاکرات لزوماً پنهان نخواهند ماند.

راه‌حل‌های پیشنهادی، روشن و قابل فهم باشد

باتوجه به این نکته که ترامپ همواره درباره سلاح هسته‌ای ایران صحبت کرده و ما هم فتوای محکمی در این زمینه داریم، می‌توان گفت که مذاکرات ما در اصل حول همین موضوع نیست. ما به‌طور کلی قبول داریم که نمی‌خواهیم سلاح هسته‌ای داشته باشیم، بنابراین مذاکرات باید بر سر گزینه‌های راستی‌آزمایی و روش‌های این انجام شود. در عین حال که فضا بسیار سخت و تنش‌آلود است، اگر به تاکتیک‌ها و شخصیت روانی ترامپ توجه کنیم و در نظر داشته باشیم که با چه فردی مشغول مذاکره هستیم، باید راه‌حل‌های روشن و قابل‌فهمی ارائه دهیم، حتی اگر این راه‌حل‌ها دشوار باشد.

دیپلماسی سنتی و معمولی برای این نوع مذاکرات کارآیی ندارد، زیرا ترامپ یک تکنوکرات یا دیپلمات سنتی نیست. این رئیس‌جمهور آمریکا استراتژی مذاکره ندارد، بلکه استراتژی معامله‌گری دارد.

ضرورت وجود یک‌صدایی در ایران

درباره ضرورت وجود یک‌صدایی در جمهوری اسلامی ایران نسبت به این مذاکرات، دو نکته را باید مدنظر داشت. ابتدا اینکه تیم مذاکره‌کننده اگر حمایت ملی نداشته باشد، به مشکل خواهد خورد. اعلام صریح رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران در این زمینه، نشان‌دهنده حمایت حاکمیت از مذاکرات است و این موضع باید موردحمایت اکثریت مردم نیز قرار گیرد. اگر صدهای متفاوت و متناقضی از داخل ایران به‌گوش برسد، به‌معنای نقض این موضع خواهد بود.

نکته دومی که باید به آن توجه کرد، این است که ما در حال مذاکره با ترامپ هستیم و نه یک دیپلمات تکنوکرات. اگر صدای دیگری در این زمینه شنیده شود، به ترامپ سیگنال اشتباهی فرستاده خواهد شد. در حال حاضر با تنش‌های نظامی قابل‌توجهی در منطقه مواجهیم و هرگونه صدای مخالف با حاکمیت یا منافع ملی کشور می‌تواند سوءتفاهم‌هایی را ایجاد کند که عواقب غیرقابل‌جبرانی به‌دنبال داشته باشد. بنابراین، ضروری است که تمامی افراد دخیل در مذاکرات به تنش موجود توجه کنند و در پی تقویت یک صدای واحد و نشان دادن یکپارچگی ملی باشند.

باشیم. این مذاکرات باید به‌صورت گام به گام جلو برود؛ یعنی در جدول داده و ستانده مذاکرات، ایران یک قدم جلو می‌رود و سپس طرف مقابل نیز یک قدم پیش خواهد آمد و این ترتیب ادامه خواهد یافت. شیوه‌های مذاکراتی که مذاکره‌کنندگان ما بهتر از همه با آن آشنا هستند، باید به‌گونه‌ای باشد که برای مردم ما که مهم‌ترین ناظران این مذاکرات هستند، کاملاً ملموس باشد که مذاکرات چگونه پیش می‌رود.

مذاکرات باید به‌صورت گام به گام جلو برود؛ یعنی در جدول داده و ستانده مذاکرات، ایران یک قدم جلو می‌رود و سپس طرف مقابل نیز یک قدم پیش خواهد آمد و این ترتیب، ادامه خواهد یافت.

دیپلماسی سنتی با ترامپ کارساز نیست

توجه به این نکته نیز بسیار مهم است که مذاکرات جاری ما با ترامپ در حال انجام است و نه صرفاً با دستگاه اداری آمریکا. تفاوت‌های معناداری بین شخصیت ترامپ و به‌اصطلاح «داره» یا سازمان دولت ایالات‌متحده وجود دارد. باید درک کنیم که دیپلماسی سنتی و معمولی برای این نوع مذاکرات کارآیی ندارد، زیرا ترامپ یک تکنوکرات یا دیپلمات سنتی نیست. وی استراتژی مذاکره ندارد، بلکه استراتژی معامله‌گری دارد؛ یعنی به نتایجی تمرکز دارد که به‌دست می‌آورد و نه پیچیدگی‌های معمولی در فرآیند مذاکرات.

تاکتیک مذاکراتی شفاف، ساده و نتیجه‌محور

ترامپ به‌دنبال ایجاد یک زمان‌بندی مشخص برای رسیدن به نتیجه است و از وی انتظار می‌رود که به‌سادگی یک کارت را از زمین بردارد و کارتی دیگر را بر زمین بگذارد. به‌همین دلیل، تاکتیک مذاکراتی ما باید شفاف، ساده و دارای قابلیت رسیدن به نتیجه باشد. ما بارها شنیده‌ایم که ترامپ در کارزار انتخاباتی‌اش یک موضوع را اعلام کرده و سپس به آن عمل کرده است. برای مثال همواره گفته که می‌خواهد تعرفه وضع کند و مذاکراتی در خصوص عدم‌دست‌یابی ایران به سلاح هسته‌ای برقرار کند.ترامپ به هدف اول خود عمل کرده و اکنون به‌دنبال عملی کردن هدف دومش است. با این اوصاف، خواسته‌های او به‌وضوح مشخص است و از مذاکره‌کننده خود انتظار دارد که نتایج موردنظرش را به‌رمغان آورد. مذاکره‌کنندگان و تصمیم‌گیرندگان ما باید توجه داشته باشند که مذاکرات با ترامپ بر مبنای یک شیوه دیپلماسی متعارف پیش نمی‌رود و باید هدف‌محور و معامله‌محور عمل کنند. همچنین باید به شخصیت روانی ترامپ نیز توجه کنند؛ یک معامله‌گر از رسانه‌ها حداکثر استفاده را می‌کند و به‌دنبال رسیدن به توافقی



حسین عادل – سفیر پیشین ایران در کانادا
ژاپن و بریتانیا: جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در سایه دولت چهاردهم به ریاست مسعود پزشکیان در ایران و بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، دوباره در ایستگاه مذاکرات غیرمستقیم قرار گرفتند؛ مذاکراتی که انتظار تهران از آن، رفع تحریم و انتظار اعلامی آمریکا از آن، شفاف‌سازی ایران درباره برنامه هسته‌ای‌اش است.

این مذاکرات دوجانبه اما غیرمستقیم در تاریخ روابط پرفراز و فرود تهران و واشنگتن بی‌سابقه نیست و اکنون نیز به‌نظر می‌رسد که نگاه هر دوطرف به دور نخست این ریزینی‌ها، خارج‌سازی روند از بن‌بست به‌وجود آمده و آگاه شدن نسبی از کف و سقف خواسته‌های یکدیگر باشد. در گام نخست، صدور مجوز برای انجام این مذاکرات، یک اقدام بسیار هوشمندانه است که با منافع ملی و مهم‌تر از همه، با خواست قاطع اکثریت مردم ایران همخوانی دارد. مردم ما اکنون علاقه‌مند هستند که حاکمیت همین مسیر رفع تحریم را دنبال کند. این موضوع نشان‌دهنده عزت نفس و اعتماد به نفس ایران است و قدرتی را در خود نهفته دارد، چراکه نشان می‌دهد ما از مذاکرات نمی‌هراسیم و توانایی انجام آن را داریم.

ایران در مذاکرات کارت‌های زیادی دارد. یکی از مهم‌ترین این کارت‌ها، حمایت مردمی از اصل مذاکرات است. در حال حاضر، مذاکرات به‌صورت دوجانبه هرچند غیرمستقیم میان ایران و آمریکا در حال انجام است. پیش از این، مذاکرات با حضور بازیگران دیگری نظیر روسیه، انگلیس، آلمان و فرانسه انجام می‌شد، اما اکنون با تمرکز بر گفت‌وگوهای دوجانبه (هرچند غیرمستقیم) کار پیش می‌رود و این می‌تواند به تسریع و اثربخشی بیشتر مذاکرات کمک کند. با این‌همه باید این نکته را هم مدنظر داشت که مذاکرات آغاز یک سربالایی با شیب تند است؛ یعنی مذاکراتی سخت و چالش‌برانگیز. در این روند، بازیگران منطقه‌ای، بازیگران بین‌المللی و از همه مهم‌تر مردم ایران، به‌دقت این رویداد را دنبال می‌کنند، زیرا در این مذاکرات برای هر کدام از آنها منافع مهمی وجود دارد. همسایگان ما منافع زیادی در این مذاکرات دارند و قدرت‌های مختلف نیز به‌نحو خاصی به آن وابسته‌اند و از همه مهم‌تر، منافع ملت ایران نیز در این مسیر تحقق می‌یابد. به‌همین دلیل، به‌نظر می‌رسد مهم‌ترین راهنمای ما در این مذاکرات، باید منافع ملی ایران باشد.

اجرای تعهدات مرحله به مرحله باشد

در این مذاکرات باید به منافع ملی و خواست اکثریت مردم پایبند

یادداشت

نیاز مند دیپلماسی دقیق با حمایت داخلی هستیم

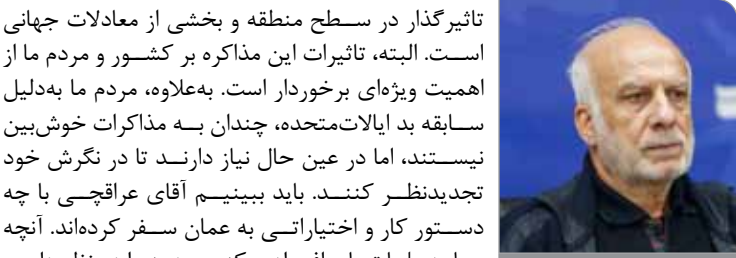
هستند، هرچند این همراهی به‌طور کامل و فداکارانه نبوده، اما در میحت هسته‌ای در جبهه جمهوری اسلامی ایران تعریف می‌شوند. اما پس از آغاز بحران اوکراین، مشکلات زیادی در روابط ما با اروپا آغاز شد. اگرچه نمی‌خواهم به موضوعات منفی اشاره کنم، اما ناگزیر هستم بگویم که فضای شکل‌گرفته در داخل ایران پس از حمله روسیه به اوکراین و استفاده تبلیغاتی مسکو از این موقعیت، شرایط سختی را برای روابط ایران و اروپا رقم زده است.

امروز وقتی تروئیکای اروپایی از مکانیسم ماشه سخن می‌گوید، ظاهراًش مسئله هسته‌ای است،اما به‌نوعی باطن آن به موضوع اوکراین مربوط می‌شود. به‌تعبیر یکی از افرادی که در روند تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت در زمان آقای احمدی‌نژاد حضور داشت، ظاهر مسئله هسته‌ای ناشی از اجماعی بود که سخنان رئیس‌جمهور وقت درباره هولوکاست علیه کشورمان ایجاد کرده بود و در این شرایط حتی روسیه و چین نیز به اجماع ضدایرانی پیوسته بودند. بنابراین، آنچه به زبان آورده می‌شود، ممکن است تمام داستان پشت اقدامات و تحولات نباشد.

پیش از این، هر زمان نمی‌توانستیم مسائل را با آمریکا پیش ببریم، با اروپا کار می‌کردیم، اما اکنون شرایط با این اتحادیه خوب نیست و آمریکا نیز دیگر تنها آمریکای اوپاما و بایدن نیست، بلکه به امریکای ترامپ تبدیل شده است. همین موضوع اهمیت مذاکرات امروز و ضرورت ایجاد جبهه حمایتی از داخل را چندبرابر کرده است.

صحنه عمان بسیار جدی است

در تحولات اخیر مسئله منطقه نیز از اهمیت برخوردار است و اقداماتی که به‌زودی در غزه انجام خواهد گرفت نیز، مورد بحث است و یکی از دلایل شمشیری که بالای سر ما قرار گرفته، این است که در قبال تصمیماتی که برای آینده این منطقه گرفته شده، اقدامی انجام ندهیم. این موضوع می‌تواند برخی نیروهای منطقه را مایوس کند که باید موردتوجه قرار بگیرد. امروز روندی آغاز شده که یک ضرب‌الاجل دوماهه آمریکا و یک ضرب‌الاجل پنج‌ماهه تا اکتبر پیش‌روی مذاکره‌کنندگان است، بنابراین صحنه بسیار جدی است و باید یک دیپلماسی دقیق با یک حمایت همه‌جانبه از داخل کشور در دستور کار قرار بگیرد.



ابراهیم رحیم‌پور – معاون پیشین آسیا و اقیانوسیه وزارت امور خارجه: دور نخست گفت‌وگوهای غیرمستقیم ایران و آمریکا در دولت دونالد ترامپ، در حالی انجام شد که به‌گفته سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان، «دیوار بلند بی‌اعتمادی» میان تهران و واشنگتن مانع مهمی در مسیر تحقق یک توافق خواهد بود.

این در حالی است که هیچ تحولی همچون یک توافق برای آغاز روند کاهش تنش میان ایران و ایالات‌متحده به‌منظور احیای توافق هسته‌ای نمی‌تواند به یک نقطه عطف در شرایط پیچیده خاورمیانه بدل شود.

تأثیر بر روندهای منطقه‌ای و بین‌المللی

اگر بخواهیم این روند را مورد بررسی قرار دهیم، باید بگوییم که این یک فرآیند بسیار طولانی است که پس از انقلاب آغاز شده و تحولات مهمی مانند ماجرای لانه جاسوسی و جنگ تحمیلی و نیز تغییر دولت‌ها در ایالات‌متحده بر آن تأثیرگذار بوده‌اند. در این میان، مواضع جمهوری اسلامی ایران همواره از ثباتی برخوردار بوده که اگر در شرایطی ضرورت ایجاد کرده، تغییراتی نیز در آن انجام گرفته است. در طول این مسیر، دیدگاه‌های متفاوتی در این زمینه وجود داشته که در این فرصت نمی‌توان به تفصیل به آنها پرداخت. آنچه امروز در عمان آغاز شده با وساطت عمان انجام می‌گیرد و هدف اصلی از برگزاری این نخستین دور این است که دوطرف احتمال تداوم این روند را بررسی کنند. به‌تعبیر دیگر، امروز یک «پل صراط» است که نه‌تنها برای ایران و آمریکا، بلکه برای قدرت‌های جهانی و کشورهای منطقه نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. بنابراین، نمی‌توان این مذاکرات را تنها مذاکراتی میان دو کشور قلمداد کرد، چراکه این یک مذاکره تأثیرگذار در سطح منطقه و بخشی از معادلات جهانی است. این نخست‌وزیر اسرائیل که هفته گذشته به آمریکا سفر و مذاکرات گسترده‌ای را دنبال کرد، تا عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس، چین، روسیه و اروپا که همگی به عمان چشم دوخته‌اند. نمی‌توان این مذاکرات را تنها مذاکراتی میان دو کشور قلمداد کرد، چراکه این یک مذاکره